

## Finance and taxpayers in the patriarchal period

Toktam Yarmohammadi\*

Hooshang Khosrobeigi\*\*

### Abstract

The Mongol conquests and the beginning of the patriarchal rule in Iran marked a period of change in most areas for the Iranians; Thus, the ruling structure of the patriarchal government was influenced by the Sino-Mongol laws. One of the most important parts of the Iranian bureaucracy that underwent extensive changes was finance and taxation. The Mongols' distrust of the Iranians and the importance of financial matters persuaded the Mongols to delegate important oversight responsibilities to their own agents. Thus the position of the Iranian Mostofs declined, and many of them, as collectors of state taxes, were under the full supervision of Mongol agents. With the expansion of the scope of duties and affairs related to finance and taxation, Iranian brokers gained more roles and presence in the organization. In this way, the Mongol style in the tax system took a form in which the Iranian elements came under the influence of the Turko-Mongol elements. Therefore, the main issue of this research is to identify the financial organization and position of taxpayers, their powers, job descriptions and functions during the Mongol period in Iran. It seems that with the Mongol domination of Iran and the implementation of Mongolian laws, changes were made in the Iranian tax system and the introduction of Mongolian elements and terms along with the Iranian-Islamic financial system was on the agenda. The results of the research show that the Mongols implemented a dual system in the administrative organization of Iran by implementing the Mongol principles and laws along with the bureaucracy of Iran under their influence.

**Keywords:** Finance, Taxation, Mongol Ilkhans, Mostofians.

---

\* Assistance Professor of History, PayamNoor University, Gonabad, Iran (Corresponding Author),  
toktamymohammadi@yahoo.com

\*\* Associated Professor of History, PayamNoor University, Tehran, Iran, kh\_beagi@pnu.ac.ir

Date received: 10/8/2020, Date of acceptance: 16/1/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## امور مالی و مودیان مالیاتی در دوره ایلخانی

تکتم یارمحمدی\*

هوشنگ خسروبیگی\*\*

### چکیده

فتوحات مغولان و آغاز حکومت ایلخانی در ایران دوره‌ای از دگرگونی در بیشتر عرصه‌ها را برای ایرانیان رقم زد؛ به این گونه که ساختار حاکم بر حکومت ایلخانی تحت تاثیر قوانین چینی - مغولی قرار گرفت. یکی از قسمت‌های مهم دیوانسالاری ایران که دستخوش تغییرات گسترده شد، امور مالی و مالیاتی بود. عدم اعتماد مغول‌ها به ایرانیان و اهمیت مسائل مالی، مغولان را مجاب می‌کرد که مسؤلیت‌های مهم و نظارتی را به مأموران خودی بدهند. بنابراین جایگاه مستوفیان ایرانی نزول کرد و خیلی از آنان به عنوان جمع‌کنندگان مالیات ایالات، توسط مأموران مغول تحت نظارت کامل بودند. با وسعت یافتن دایره وظایف و امور مربوط به امور مالی و مالیات‌گیری، کارگزاران ایرانی نقش و حضور بیشتری در تشکیلات استیفا پیدا کردند. به این ترتیب شیوه مغولان در نظام مالیاتی صورتی پیدا کرد که در آن عناصر ایرانی در کنار و تحت نفوذ عناصر ترکی - مغولی قرار گرفتند. بنابراین مساله اصلی این تحقیق، شناسایی تشکیلات مالی و جایگاه مودیان مالیاتی، اختیارات، شرح وظایف و کارکرد آن در دوره مغول در ایران است. چنین به نظر می‌رسد که با سلطه مغول‌ها بر ایران و اجرای قوانین مغولی، تغییراتی در نظام مالیاتی ایران به وجود آمد و ورود عناصر و اصطلاحات مغولی در کنار نظام مالی ایرانی - اسلامی در دستور کار قرار گرفت. دستاورد تحقیق نشان می‌دهد که مغول‌ها با اجرای اصول و قوانین مغولی در کنار دیوانسالاری ایران که تحت نفوذ خود بود، نظام دوگانه را در سازمان اداری ایران به کار بستند.

\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، گناباد، ایران (نویسنده مسئول)، [toktamyarmohamadi@yahoo.com](mailto:toktamyarmohamadi@yahoo.com)

\*\* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، [kh\\_beagi@pnu.ac.ir](mailto:kh_beagi@pnu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷



**کلیدواژه‌ها:** امور مالی، مالیات گیری، ایلخانان مغول، مستوفیان.

## ۱. مقدمه

دستگاه دیوانسالاری یکی از مهمترین بخش‌های تشکیلاتی در بدنه اصلی هر حکومت می‌باشد. بررسی تاریخی و موردی بخش‌های دیوانسالاری به شناسایی روش اداره سازمان‌ها، نهادها و چگونگی اداره کشور کمک مؤثری می‌کند. حمله مغول به ایران و استقرار سیاسی و اداری آنان که توأم با به کارگیری عناصر بومی در کنار عوامل و کاربدستان چینی، ایغوری و مغولی بود، آغاز دوران جدیدی در رویه‌های اداری، موقعیت و وضعیت مقامات دیوانی ایرانی و به طور کلی نهاد دیوان محسوب می‌شود.

دیوان استیفا که مربوط به امور مالی و مالیات گیری می‌باشد، به عنوان دومین رکن دستگاه دیوانسالاری در حکومت‌های ایران اسلامی دارای اهمیت بسزایی بود. ریاست دیوان استیفا در دست شخصی به نام مستوفی الممالک یا صاحب دیوان استیفا قرار داشت. وظیفه مستوفی تا قبل از دوره مغول جمع آوری و هزینه کردن مالیات و محاسبه دخل و خرج و ارزیابی اموال دولتی بود. از دیگر کارکنان دیوان استیفا، نایب مستوفی، مستوفیان و کارکنان مالی بودند. با یورش مغول‌ها به ایران سستی و نابسامانی در سیستم اداری ایران پدید آمد و مغولان که در ابتدا اعتماد کافی به ایرانیان نداشتند، سعی در ورود به بخش‌های مختلف دیوانسالاری و نظارت بر کار کارمندان ایرانی داشتند. قوم غالب برای رسیدگی به امور مالی از شیوه‌های مالیات گیری خود نیز استفاده کردند و علاوه بر ورود روش‌های چینی - مغولی، کارمندان و ناظران خود را در نظام دیوانسالاری ایران وارد کردند.

در ابتدای حکومت مغول‌ها در ایران، حاکمان تعیین شده از سوی قراقروم مسول جمع آوری مالیات از مناطق فتح شده بودند. اما با گذشت زمان و تثبیت حکومت ایلخانان در ایران، با توجه به گستردگی و اهمیت استیفا، خانان مغول تمرکز بیشتری بر این قسمت دیوانسالاری کردند. با توجه به پیچیدگی‌های امور مالی و عدم ناتوانی مغولان در اداره امور به تنهایی، کارکنان ایرانی دیوان استیفا را به کار گرفتند و در کنار هر کدام از متصدیان امور مختلف، نظارت مقامات مغولی بر کار ایشان را برقرار کردند. این روال، نظام دو گانه‌ای بود که مغول‌ها در بیشتر بخش‌های دیوانسالاری ایران اجرا کردند تا با کمک کارکنان ایرانی نظارت و مراقبت از امور توسط خویش، کارها انجام شود.

به این ترتیب یکی از مهم‌ترین بخش‌های حکومت مغولان در ایران همچون قبل، پرداختن به امور مالی و رتق و فتق امور مالیات‌گیری بود. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد ساختار و کارکردهای مالی ایران همزمان با حکومت مغول را بررسی کرده و به بازشناسی فرایند تغییرات و ورود عناصر و قوانین چینی-مغولی به دستگاه اداری-مالی ایران بپردازد.

### ۱.۱ پیشینه پژوهش

در بررسی تشکیلات مالی مغول‌ها در ایران از لابه لای پژوهش‌های مختلف می‌توان در این باره اطلاعاتی کسب کرد. کتاب «بررسی سیر تحولات دیوانسالاری مغول‌ها در ایران»، به شناسایی قسمت‌های مختلف دستگاه دیوانسالاری در دوره ایلخانی می‌پردازد و توجه نویسنده به احیای سنت‌های دیوانسالاری در سایه حکومت مغول در ایران است و تاثیرپذیری از قوانین و عناصر مغولی در ساختار دیوانی را اجتناب ناپذیر می‌داند. در این اثر دیوان استیفا و تغییرات آن در دوره مغول مورد توجه واقع شده است (فرخی، ۱۳۹۶: ۶۲). اثر «تاریخ مغول در ایران»، با ورود به بحث‌های دیوانسالاری، سعی بر آن داشته که اجزاء تشکیلات دیوانی را بیان کند. نویسنده کتاب معتقد است که مغولان نتوانستند آداب و رسوم خویش را به طور کامل با دیوانسالاری ایرانی جمع ببندند و حتی با مسلمان شدن ایشان تلاش برای نزدیکی سنن مغولی و ایرانی-اسلامی موفقیت آمیز نبود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۸۰). بارتولد نیز در اثر خود از شیوه متفاوت مغول‌ها در اداره حکومت ایران صحبت کرده و معتقد است که آنان در سیستم دیوانی بر روش خویش تکیه داشتند (بارتولد، ۱۳۵۲: ۱۵/۱).

دیوید مورگان در کتاب «مغول‌ها» در بحث تشکیلات اداری به بررسی شخصیت‌های دیوانی، مناصب و دسته‌بندی آن پرداخته که در باب تشکیلات مالی مفید است (مورگان، ۱۳۸۹: ۱۰۲). در کتاب «تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران» از لمبتن، قسمت‌های مختلف سازمان اداری دوره ایلخانی بیان شده است که قسمت استیفا و مالی آن مورد استفاده قرار گرفته است (لمبتن، ۱۳۷۲: ۲۲). مقاله «پژوهشی درباره سیف‌الدین بیتکچی دیوانسالار مسلمان دوره هولاکو»، به بخش‌هایی از دیوانسالاری دوره مغول می‌پردازد و نقش مغولان را به عنوان ناظران بر کارکنان ایرانی نشان می‌دهد. همچنین بر نظام دوگانه ایلخانی که تکیه بر سنت‌های مغولی و ایرانی-اسلامی است اشاره دارد (خسروبیگی و فرخی، ۱۳۹۱: ۶۹). اثر «ماهیت ایرانی حکومت مغولان»، به تاثیرات تمدن ایرانی-اسلامی بر

حکومت ایلخانان می پردازد و سیستم دیوانسالاری حکومت مغول را متأثر از الگوهای تشکیلات اداری ایران ارزیابی می کند که در رابطه با پژوهش حاضر قابل استفاده است (رضوی، ۱۳۹۰: ۳). در مقاله «ایران در استیلا مغول»، نکته حائز اهمیت این است که مغولان با ورود به ایران و در دست گرفتن حکومت یک نوع سستی را در نظام اداری ایران ایجاد کردند. آنها مقام وزیر را به عنوان مسول امور مالی برابر کردند و با نظارت بر کار کاربدستان ایرانی توسط ماموران مغول از ظرفیت هر دو گروه استفاده کردند (اگل، ۱۳۹۰: . همچنین پژوهش «سه دیوان بزرگ در عهد ایلخانی»، به بررسی دیوان های سلطنت، وزارت و استیفا می پردازد. در قسمت اخیر در مورد امور مالیات گیری و انواع آن مطالب در خور توجهی دارد که مورد استفاده واقع شده است (فروغ بخش فسایی، ۱۳۸۳: ۸۲).

پژوهش حاضر با امعان نظر تحقیقات پیشین در تلاش است تا در راستای تکمیل آثار نویسندگان گذشته، فراتر از توجه کلی به تشکیلات دیوانی دوره ایلخانان، با ورود به جزئیات دستگاه مالی در این دوره، جایگاه، کارکرد، وظایف و ترتیب مناصب این دیوان را شناسایی و وجوه متفاوت و تغییر یافته با دوره های پیش از مغول و ایلخانان را بررسی کند.

## ۲. نظام مالیاتی از آغاز دوره اسلامی تا قبل از یورش مغول در ایران

دیوان استیفا<sup>۱</sup> یکی از دیوان های قدیمی و مهم در ایران است که سابقه وجود آن به اوایل دوره اسلامی باز می گردد. با توجه به اهمیت کار دیوان استیفا که در رابطه با مسائل مالی بود، این دیوان به عنوان یکی از مراکز مورد توجه حاکمان ایران در طول تاریخ محسوب شده است. نام این دیوان برگرفته از وظایفی است که کارگزاران مالیاتی در آن به نام مستوفی<sup>۲</sup> مشغول به کار بودند. مسؤل دیوان استیفا به نام مستوفی الممالک یا رئیس دیوان استیفا بود که بر پرداخت ها، معاملات، احکام مالی و قضاوت نظارت داشت (خسرویگی، ۱۳۸۸: ۲۱۵ و ۱۸۷). نخجوانی در تعریف علم استیفا می نویسد که: «استیفای مال از آن جهت مهم است که بحث مستوفی در آن علم از صفاتی است که بر مال طاری می شود و چون جمع و خرج و تبدیل و تسعیر موضوع علم مسکوک است از آن جهت اهمیت دارد» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱/ ۶۵).

در دوره سامانی و غزنوی، دیوان استیفا همان خزانه داری بود و کلمه مستوفی احتمالاً مترادف خازن و خزینه دار محسوب می شد و محاسبان مالیاتی هم تابع خزانه دار بودند. کلمه

خزینهدار و خازن هم با دیوان خراج در زمان خلفای عباسی (۶۵۶-۱۳۲ق) تطبیق می- کند (بارتولد ۱۳۵۲: ۱/۴۹۴-۴۹۳).

در دوران سلجوقی، رئیس دیوان استیفا به نام مستوفی الممالک در جایگاه دوم بعد از مقام خواجه بزرگ قرار می گرفت (بنداری ۱۳۵۶: ۱۱۵). وظیفه مستوفیان در این دوره ارزیابی، جمع آوری و هزینه کردن مالیات‌ها بود که تمام این امور زیر نظر مستوفی الممالک صورت می گرفت و به نظر سلطان می رسید. مناصب محلی در دیوان استیفا هم در ایالات، مستقیم زیر نظر امیری بود که امور مربوط به جمع آوری مالیات را بر عهده داشت (لمبتن ۱۳۷۲: ۴۴ و ۴۸). یکی دیگر از شغل‌های مستوفیان در دوران سلجوقی، نویسنده خزانه بود. از جمله امین الدین علی مستوفی، نویسنده خزانه سلطان محمد ملکشاها محسوب می شد (بنداری ۱۳۵۶: ۳۸).

تشکیلات دیوانسالاری در دوره خوارزمشاهی همان ادامه سنت‌های ایران در سده‌های قبل بود. وزیر به عنوان کانون قدرت محسوب می شد و دیوان استیفا با پرداختن به امور مهمی چون اقتصاد در درجه نخست اهمیت قرار داشت. نسوی معتقد است از حیث اهمیت، دیوان استیفا بالاتر از دیوان‌های انشاء، اشراف و عرض بود، به همین علت افرادی که خواهان رسیدن به منصب وزارت بودند، می بایست قبلاً به سمت مستوفی الممالکی می- رسیدند (نسوی ۱۳۴۸: ۱۳۴). مهمترین صفات مستوفیان امانت و درستکاری نزد سلطان بود و کسانی که در این منصب بودند، با جلب اعتماد سلطان و اطرافیان او خود را به منصب وزارت که به (خواجه جهانی) معروف بود، نزدیک می کردند (نسوی، ۱۳۴۸: ۱۳۵).

در تشکیلات اداری حکومت خوارزمشاهی، تأمین بودجه برای پرداخت‌های مخارج امپراطوری زیر نظر وزیر و مستوفی الممالک بود. آنان می بایست برای گردش امور حکومت و نظم در کارها، بودجه را منظم و تأمین کنند. از مهم‌ترین وظایف مستوفیان بخصوص مستوفی الممالک در دوره خوارزمشاهی، پرداخت جامگیات<sup>۲</sup>، اقطاعات، ادرات و معایش افراد بود. همچنین نظارت بر معاملات و امور مالی و محاسبات و اجرای احکام مالی توسط آنها انجام می گرفت. لازم به ذکر است نظارت در قضاوت بر سر اختلافات مالی جزء وظایف دیوان استیفا بود (خسروبیگی ۱۳۸۸: ۱۸۹ و ۱۸۴).

به این ترتیب می توان گفت دیوان استیفا به عنوان دومین رکن دستگاه دیوانسالاری بعد از وزارت قرار داشت و با توجه به اهمیت این دیوان و بحث‌های مربوط به امور مالی، همواره مورد توجه بود. کارکنان این دیوان هم افراد دارای سواد مالی و گزینش شده بودند.

### ۳. تأثیر دیوانسالاران ایرانی در منازعات قدرت حاکمان ایلخانی

با سقوط خوارزمشاهیان و آمدن مغولان به ایران، آنها از بدو ورود خود، دست به ایجاد تشکیلات ابتدایی اداری و دیوانی در خراسان و مازندران زدند. این تشکیلات توسط حاکمان و نمایندگان از سوی خان بزرگ مغولستان اداره می‌شد (اگل ۲۰۰۸: ۷۱-۸۰). ارغون آقا به عنوان یک چهره مغولی توانست با بهره‌گیری از خط و زبان ایغوری در زمره اولین دیوانسالاران اداری، مأموریت خود را در خراسان آغاز کند (لین ۱۹۹۹: ۶۶۰). این روند با ورود هولاکو به ایران ادامه و گسترش یافت؛ به نحوی که او در خراسان دستور آبادی شهرهای تخریب شده را داد و سیف الدین بیتکچی را که مقام بالایی بین ایغورها داشت، به عنوان کارگزار بخش اداری و مالی تشکیلات ابتدایی خود منصوب کرد (خسرویگی و فرخی ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹). پس از چندی در پی حذف سیف الدین بیتکچی که به نحوی نماینده الوس جوچی در ایران بود و انتصاب شمس الدین محمد جوینی به عنوان جانشین او، تشکیلات اداری ایران از استقلال بیشتری برخوردار گشت. از این برهه به بعد ساختار حکومت ایلخانی دچار تغییرات زیادی شد که در درجه اول ارتباط با مغولستان رنگ باخت. بنابراین حکومت هولاکو سرآغاز جدیدی در تاریخ ایران بود. همان طور که قویلای قان شیفته فرهنگ و رسوم ختایی شده و مجذوب آن تمدن گشت (تسف ۱۳۶۳: ۲۳)؛ هولاکو هم متمایل به فرهنگ ایران شد و به عنوان اولین ایلخان مغول تحت تأثیر تشکیلات دیوانسالاری ایران قرار گرفت (رشیدالدین ۱۳۷۳: ۲ / ۱۰۴۹) و نظام اداری ایران را در کنار قوانین مغولی برقرار کرد.

با شروع فرمانروایی اباقا، دور جدیدی از جابجایی عناصر حکومتی به چشم می‌خورد. در این دوره حضور مشاوران و کارگزاران ختایی و ایغوری در ایران افزایش یافت، به همین علت تا حدودی جایگاه دیوانیان ایرانی نسبت به دوره هولاکو متزلزل گردید. از تأثیرهای حضور کارگزاران مغولی و چینی در ایران، اتهام اختلاس مالی به برادران جوینی بود؛ گرچه در آن زمان نتیجه‌ای در بر نداشت (مستوفی ۱۳۶۴: ۵۹۶).

پس از مرگ اباقا، تکودار با حمایت دیوانسالاران ایرانی به حکومت رسید و ظاهراً دعوی مسلمانی داشت. با شروع زمامداری تکودار مسلمان، دیوانسالاران ایرانی بار دیگر بر مسند قدرت قرار گرفتند، اما این قدرت یابی، مخالفان و دشمنان سلطان احمد و ایرانیان که ترس دور شدن و کنار گذاشتن سنن مغولی را داشتند، به صف کرد. آنان با علم کردن شاهزاده ارغون، کفه ترازو را به سود خود سنگین و با قتل سلطان احمد تکودار، جایگاه



ایرانیان مسلمان را در نظام دیوانسالاری ایلخانان تضعیف کردند (رشیدالدین ۱۳۷۳: ۱۱۳۱/۲). با توجه به نرمش و انعطاف خان مغول برابر مسلمانان، حضور آنها در سازمان اداری ایران پر رنگ تر می‌شد اما با روی کار آمدن یک ایلخان سرسخت و پایبند به قوانین مغولی، تسلط و نظارت ماموران مغول، کار را بر ایرانیان سخت تر و نقش آنان را کم تر می‌کرد.

در دوره گیخاتو به علت اقدامات نامناسب وزیر اعظم ایلخان، یعنی صدرالدین احمد زنجانی در امور اقتصادی و خالی شدن خزانه مملکت، مخالفان ایلخان توانستند بار دیگر یک خان همسو با اهداف عناصر مغولی به نام بایدو را به حکومت برسانند. دوره حکومت بایدو دیری نپایید و بعد از چند ماه با مخالفت غازان خان که به تازگی مسلمان شده بود، رو به رو گشت و در رویارویی با او در سال ۶۹۴ق، به قتل رسید.

اولین اقدام غازان برای کسب مشروعیت، پذیرفتن اسلام بود. با اسلام آوردن غازان، بسیاری از مغولان به تبعیت از او به دین اسلام درآمدند. با این رویکرد خان مغول، بسیاری از سنت‌های ایرانی - اسلامی دوباره احیا شد.

با وجود مسلمان شدن مغولان، آیین و تشریفات مغولی به طور کامل از بین نرفت و در دوران اولجایتو و ابوسعید هم قوریلتای مغولی برای انتخاب خان وجود داشت و حس برتری جویی مغولی و قدرت اشرافیت نظامی تا آخر عهد ایلخانی همچنان به چشم می‌خورد (رضوی ۱۳۹۰: ۳). بنابراین مغولان با نظامی سیاسی بر کشورهای متمدن چیره شدند و حتی پس از مسلمانی، میراث چنگیز را حفظ کردند (بارتولد ۱۳۵۸: ۴۱). تفاوتی که زمان غازان با دوران قبل داشت، اسلامی شدن سیاست‌های او بود که مغولان را جذب فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی کرد (گروسه ۱۳۶۵: ۶۲۷). بعد از مرگ غازان و قدرت‌یابی امرای مغول در دوره الجایتو و ابوسعید، تعارض بین سرداران و اشراف مغول با دیوانسالاران ایرانی شدت یافت، به گونه‌ای که هر یک از رقبا برای حذف دیگری از اداره حکومت تلاش می‌کردند. با مرگ ابوسعید رقابت بین نظامیان و دیوانسالاران به اوج خود رسید و باعث هرج و مرج و تجزیه حکومت ایلخانی شد<sup>۵</sup> (ساندرز ۱۳۶۳: ۱۳۸).

#### ۴. امور مالی و مودیان مالیاتی در دوره حکوت ایلخانان

##### ۱.۴ بررسی اوضاع مالی از آغاز حکمرانی مغولان در ایران تا آغاز دوره غازان‌خان(۶۹۴-۶۱۶ هـ ق)

با قدرت گرفتن مغولان در ایران، منصب وزارت همچون گذشته برقرار نبود و به علت اهمیت امور مالی، قدرت اصلی در دست صاحب دیوان استیفا قرار داده شد. اداره امور مالی هم در دست افرادی با عنوان مستوفی قرار داشت. رسیدگی به امور اقطاعات، بازرگانان، دخل و خرج مملکت و نظارت بر مالیات‌گیری از وظایف مستوفیان در دوره ایلخانان بود.

با شروع حکومت ایلخانی نقش خاندان جوینی به عنوان مجری و تدوین‌کننده سازمان اداری مغولان کاملاً مشهود است. این خاندان در شکل‌گیری و تعلیم فرهنگ ایرانی-اسلامی و جذب مغولان نقش مهمی را ایفا کردند(لین ۲۰۱۲: ۴). با این حال هم‌زمان با آغاز فرمانروایی مغولان، گرایش‌های اشرافیت مغولی مانع از نظم و نسج امور مالی در دست کاربدستان ایرانی بود، اما رفته رفته تشکیلات پیشرفته دیوانسالاری ایرانی بر شیوه‌های مالی مغول غالب شد؛ به طوری که ساخت سیاسی عهد ایلخانی تلفیقی از سنت‌های ایرانی-اسلامی در کنار قوانین ترکی-مغولی بود.

طی ۳۵ سال آغاز حکومت مغولان در ایران، خاندان مغول به عنوان سردار سپاه و جمع‌کننده مالیات برای اداره امور کشورهای فتح شده از جمله ایران، به طور مستقیم زیر نظر قراقروم انجام وظیفه می‌کردند. در این دوره وظیفه مستوفی‌الممالک اداره نمودن امور مالی و عایدات مملکت بود(جوینی ۱۳۸۵: ۲۳/۲).

در سال ۶۳۳ ق و در زمان حکمرانی چیتتمور در خراسان و مازندران هنگامی که بهاءالدین جوینی و کرگوز، نایب و نماینده حکمران به رسالت نزد اکتای قاآن رفته بودند، خان مغول با لیاقتی که در جوینی دید این دیوانسالار ایرانی را «سیورغامیشی<sup>۷</sup> کرد و پایزه<sup>۷</sup> و یرلیغ به آل تمغا<sup>۸</sup> فرمود و صاحب دیوانی کل ممالک را بدو ارزانی داشت»(جوینی ۱۳۸۵: ۲۲۴/۲-۲۲۳).

موضوع تأیید صاحب دیوانی کل ممالک از جانب اکتای قاآن به جوینی نشان می‌دهد که اختیارات و اعتبارات او به عنوان یک دیوانسالار ایرانی نزد مغولان مورد قبول واقع شده و این به معنای نفوذ عناصر ایرانی در دستگاه اداری مغولان می‌باشد. لازم به ذکر است زمانی که عنوان صاحب دیوان به بهاءالدین جوینی داده شد، این عنوان در کنار منصب الغ-

بیتکچی در تشکیلات دیوانی قرار گرفت، به این ترتیب مساله دوئیت در حکومت به تقلید از دیوان اداری چین اجرا شد. اما در باب وظایف و قدرت این دو منصب اگرچه هر دو به نوعی وظیفه مالیاتی و محاسبات مالی داشتند؛ با توجه به این که الغ بیتکچی وابسته به تشکیلات قراقروم بود و مغول بودن وی در آن برهه از زمان حائز اهمیت تلقی می شد، الغ بیتکچی مقام بلند پایه تری نسبت به صاحب دیوان مسلمان فارسی زبان داشت (فرخی ۱۳۹۶: ۷۰). از آنجا که امور مالی و نظارت بر آن اهمیت زیادی برای مغولان داشت، الغ بیتکچیان به عنوان مأموران عمده مالی از بین مغولان برای نظارت بر کار مأموران ایرانی انتخاب و به کار گرفته می شدند و کارگزاران مالی ایرانی به عنوان زیردستان مغول انجام وظیفه می کردند.

خصوصیات اخلاقی و رفتاری اکتای قآن در تثبیت و بکارگیری مسلمانان در امور و اداره کشور، همچنین تلاش در جهت بازسازی و آبادانی، نشان از سیاست مدارا و طبع سازگار وی بود. این جریان به نفع احیای دیوانسالاری ایرانی و حضور مؤثر و تاثیر گذار ایرانیان گردید. وی با انتخاب عمال ایرانی در کنار مأموران ایغوری و مغولی که از دوره چنگیزخان مسولیت سیدگی به امور مالی را داشتند؛ در پی سامان دهی به امور مالیاتی و دخل و خرج بود؛ همچنین اکتای برای پیشبرد هرچه بیشتر اهدافش، مباحثاتی را از بین امرای مغولی در کنار آنان تعیین کرد (الصیاد ۱۹۷۰: ۱/ ۱۸۹). برخلاف دوران اکتای، گیوک (۹۴۴-۶۴۷ ق) رفتار متفاوتی با ایرانیان در پیش گرفت. او اکثر وزرا و کارکنان ایرانی را از مسند کارها برکنار و چیتقای را که دشمن سرسخت آنان بود، مقام وزارت داد. در زمان منکوقآن (۶۴۹ ق) تمام امور دیوانی از قرار تعیین اشتغال و اداره امور مالی به امیر بولغای سپرده شد و ایرانیان چندان مجالی برای عرض اندام نیافتند (خواند میر ۱۳۸۰: ۵/ ۳۹۶۷). مهمترین تغییری که در تشکیلات اداری هولاکو (۶۶۳-۶۵۴ ق) اتفاق افتاد، انتخاب شمس الدین جوینی به عنوان مسوول امور مالی بود که از این به بعد می توان نقش ایرانیان دیوانسالار را در اجرای تشکیلات اداری ایلخانان پررنگ تر دید. خواجه شمس الدین که مستوفی سابق خوارزمشاهیان بود، به عنوان مسوول امور مالی و دیوان وزارت حکومت هولاکو انتخاب شد (بناکتی ۱۳۴۸: ۴۲۶ ۲۰۵) و این سمت را در زمان اباقا به مدت ۱۷ سال حفظ کرد. وی توانست ۳ سال تدبیر امور دولت احمد تکودار را بر عهده گیرد. جوینی جهت ضبط اموال دیوانی، نوابی معتمد تعیین کرد تا «ابواب صلات و صدقات بر ارباب استحقاق مفتوح بدارند» (خواند میر ۱۳۸۰: ۵/ ۴۰۷۶). با توجه به شرایط مساعد دوران

هولاکو و اباقا برای دیوانسالاران ایرانی بخصوص خاندان جوینی، مستوفیان ایرانی زیادی در سازمان اداری ایلخانان کار می‌کردند. ابن عبری به این قضیه مهر صحت زده و اباقا را فردی موفق و مسلط به اوضاع دانسته که تا حدودی محبوبیت نزد مردم داشت (ابن عبری ۱۳۶۴: ۳۷۸). البته با وجود تمجید ابن عبری از اباقا باید این نکته را نیز مورد نظر داشت که برخلاف گفته نویسنده، یکی از سخت‌ترین دوران دیوانسالاران ایرانی در دوره همین اباقا بود. در این دوره اتهامات مالی زیادی به وزراء به ویژه وزیر اعظم، شمس‌الدین جوینی وارد شد و حتی برادرش عطاملک جوینی، حاکم بغداد از مقامش برکنار و برای مدتی به زندان افتاد (ابن فوطی، ۱۳۵۱: ۳۴۹).

هولاکو پس از فتح بغداد (۶۵۶ ق)، با ایجاد تغییرات اندکی در نظام اداری عراق، آنجا را ترک کرده و بیشتر واحدهای اداری به شیوه گذشته به کار خود ادامه دادند. او برای ترمیم ویرانی‌ها، صاحب منصبانی را تعیین کرد و مقام شحنگی بغداد را که مسئول امور نظامی بود، برعهده مغولان گذاشت. ریاست امور اداری نیز بر عهده ابن علقمی وزیر بود (رشیدو، ۱۳۳۸: ۱۴۶-۱۴۲). پس از مرگ ابن علقمی و پسرش، امور دیوانی و دولتی عراق به دست دیوانسالاران ایرانی افتاد و به طور مستقیم توسط صاحب دیوان جوینی اداره می‌شد (ابن فوطی ۱۳۵۱: ۲۳۳). در واقع باید گفت، دوره هولاکو اوج قدرت خاندان جوینی و ایرانیان در دستگاه دیوانسالاری ایلخانان بود. هم زمان با حکومت علاء‌الدین عطاء‌الملک جوینی در بغداد، علی بهادر عامل مغول و شحنه بغداد قدرت زیادی داشت. او به علت حسادت به موقعیت خاندان جوینی، درصدد دشمنی با عطاء‌الملک برآمد. وی جوینی را به اختلاس مالی متهم کرده و سعایتش را نزد هولاکو برد، اما به سبب قدرت و اهمیت شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان، هولاکو از اشتباهات عطاملک چشم پوشید و خود علی بهادر توسط شمس‌الدین جوینی اعدام شد (همان: ۳۵۰-۳۴۹). این حادثه نشان دهنده قدرت زیاد خاندان جوینی در دیوانسالاری و دستگاه حکومتی هولاکو بود که تفوق ایرانیان را در این برهه از زمان نسبت به عاملان مغول تا حدودی نشان می‌دهد.

از جمله مأموران مغول که در امور دیوان استیفا دخالت می‌کردند، تمغاچیان و باسقاقان بودند که به عنوان مسئول محاسبه و جمع‌آوری مالیات همچون کارمندان دیوان استیفا، در شهرها مشغول به کار بودند (جوینی ۱۳۸۵: ۲/۲۴۵). وظیفه اصلی باسقاق، توجه به امور نظامی و دفع شورش‌ها و حل مشکلات بود (جوینی، ۱۳۸۵: ۲/۲۲۰). گاهی به علت نبود نظم، رعایت نکردن قوانین و اتکای مغولان بر نیروهای خویش، تداخل شغلی ایجاد شده و

به ویژه در امور مالی که جزء مهمترین دغدغه مغولان بود، حضور و سرکشی نیروهای مغول را در امور اجتناب ناپذیر می نمود.

صاحب دیوان جوینی، در زمان سلطنت هولاکو و اباقا چند سال در کمال استقلال در امور مالی انجام وظیفه کرد و با تأیید اباقا، علاءالدین عظاملک را در بغداد به نیابت امیر سونجاق آقا منصوب کرد (رشیدالدین ۱۳۷۳: ۲/ ۱۰۶۱) اما با ورود یک ایرانی دیگر توسط مغولها به دستگاه دیوانی برای فشار بر خاندان جوینی، اوضاع این خاندان بغرنج شد. مجدالملک یزدی با سخن چینی و سعایت از خاندان جوینی به خصوص وزیر اعظم در کار آنان اخلال ایجاد کرد (وصاف ۱۳۳۸: ۱/ ۹۲). مجد الملک یزدی که وزیر اتابکان یزد بود به علت حسد ورزی و مطرح کردن خود نزد اباقا، در پی دسیسه چینی های مکرر برآمد و با گرفتن حکم مشرف الممالکی ابتدا دست عظاملک جوینی و عمال وی را در حکومت بغداد کوتاه کرد (جوینی ۱۳۶۱: ۷۶) و سپس با وارد کردن اتهامات مالی سعی در نابودی کامل خاندان جوینی داشت (کرمانی ۱۳۳۸: ۱۰۶-۱۰۱). با روی کار آمدن احمد تکودار (۶۸۳-۶۸۰ هـ ق) قدرت خاندان جوینی رو به افزایش نهاد (همان: ۱۰۵). تکودار زیر نظر شمس الدین جوینی تغییراتی در تشکیلات دیوانی ایجاد کرد. او مقام اداری دفترداری ممالک را برای جلوگیری از طرح اتهام علیه اقدامات دیوانی در تشکیلات ایلخانی طراحی و خواجه جمال الدین منشی را به عنوان دفتردار ممالک منصوب کرد (نخجوانی ۱۹۷۶: ۲/ ۱۲۷-۱۲۶). همچنین او دستور داد تا به جای واژه یرلیغ از واژه اسلامی- ایرانی فرمان و به جای واژه ایلچی از واژه رسول استفاده شود (وصاف ۱۳۳۸: ۱/ ۱۱۰).

همان طور که قبلا ذکر شد، مجدالملک در دوران مشرف الممالکی قدرت زیادی به دست آورد و تمام امرا و شاهزادگان مطیع او بودند. در این مدت وی تلاش زیادی برای اثبات اختلاس مالی خاندان جوینی انجام داد که با شروع زمامداری احمد تکودار این تلاشها به جایی نرسید و خود وی با اعمال نفوذ وزیر اعظم، شمس الدین جوینی کشته شد (همان: ۹۲/۱). پس از شروع فرمانروایی ارغون خان، جوینی با وجود کسب مقام صاحب دیوانی ارغون (۶۹۰-۶۸۳ ق) نتوانست حسن نیت خود را نسبت به خان اثبات کند (رشید الدین، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۱۲۶)؛ به همین علت پس از چندی بر اثر تحریکات وزیر بوقا و البته تمایلات شخصی خان، که می خواست خاندان جوینی را محاکمه و اموال آنان را ضبط کند (کرمانی ۱۳۶۲: ۱۰۴)؛ به اتهام اختلاس مالی در اوجان دربند بازخواست و مقرر شد دو هزار تومان زر به عنوان غرامت به خزانه پرداخت کند در حالی که حقوق جوینی

۳۶۰ تومان بود (جوینی ۱۳۸۵: ۳۱). او که توان پرداخت آن مقدار پول نقد را نداشت، در یارغویی<sup>۹</sup> که برپا گردید، متهم اعلام شده و در سال ۶۸۳ ق، در نزدیک اهر اعدام شد (وصاف ۱۳۳۸: ۱/ ۹۹؛ مستوفی ۱۳۶۴: ۵۹۶). به این ترتیب خاندان جوینی با آن همه نفوذ بین مغولان در نهایت نتوانستند اعتماد چهارمین ایلخان مغول را بدست آورده و نابود شدند.

در دوران ایلخانان هر کدام از شاهزادگان در حیطه فرمانروایی خویش دارای تشکیلات مالی و اداری کوچکی بودند؛ از جمله شاهزاده ارغون در زمان اباقا با توجه به قدرتی که در اختیار داشت، قوام‌الدین بخاری را به منصب استیفای خویش برگزید (وصاف ۱۳۳۸: ۱/ ۷۳). او پس از رسیدن به مقام ایلخانی، امیر بوقا را برای وزارت ممالک انتخاب (ابن فوطی ۱۳۵۱: ۴۳۶) و خواجه فخرالدین مستوفی قزوینی را به نیابت وی، به منصب استیفا منصوب کرد (قطبی اهری ۱۳۷۳: ۱۳۸)؛ اما پس از چندی به علت دشمنی و تحریک سعد الدوله وزیر با خواجه، به دستور خان در سال ۶۸۷ ق، در حدود وان کشته شد (رشید الدین، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۱۶۲).

در دوره ارغون خان که روابط مناسبی با مسلمانان نداشت به کارگیری دیوانیان در امور مهم کمتر بود و به جای آنها یهودیان و مسیحیان در امور اداری به کار گرفته شدند (وصاف ۱۳۳۸: ۲/ ۲۴۱). به این ترتیب قدرت دیوانسالاران ایرانی در سمت های مهم در زمان ارغون تا حدودی کاهش یافت. از آنجایی که رسیدن به شغل مستوفی کار دشوار و مهمی بود و افراد می‌بایست دارای شایستگی کامل باشند، بعضی اوقات کسانی که تمایل رسیدن به شغل مستوفی را داشتند در این راه هزینه‌های گزافی می‌دادند، از جمله عزالدین مظفر محمد عمید پس از پرداخت مبلغی به عنوان رشوه در زمان گیخاتو (۶۹۴-۶۹۶ ق) استیفای فارس را به دست آورد (وصاف، ۱۳۳۸: ۳/ ۲۷۴). در رسیدن افراد به سمت مستوفی، اگرچه توانایی و لیاقت از شرایط رسیدن به آن بود، اما پرداخت رشوه و همراه کردن دست اندرکاران و عوامل مهم دستگاه دیوانسالاری برای رسیدن به این سمت و چه بسا سمت‌های دیگر دیوانی یک عامل عمده محسوب می‌شد که بسیاری از دیوانیان علاوه بر لیاقت و کاردانی از این طریق به قدرت و منصب می‌رسیدند.

## ۲.۴ اصلاحات غازان خان در نظام مالی و مالیات گیری

شیوه حکمروایی و خط مشی غازان بیشتر براساس تطابق با دیوانسالاری ایرانی و در راستای وحدت ملی و ایجاد دولت بزرگ پیش می‌رفت؛ به طوری که مرحله‌ای از تحول طبیعی و اجتناب ناپذیر تاریخ ایران محسوب می‌شد (مرتضوی ۱۳۷۰: ۸۸). در این دوره اصلاحات مؤثری در زمینه تشکیلات دیوانی به ویژه دیوان استیفا انجام شد. مستوفیان بزرگ حکم مباشران و نایبان مستوفی‌الممالک در تشکیلات استیفا بودند که جایگاه رفیع و قدرت فراوان داشتند؛ افرادی همچون خواجه جمال‌الدین مستوفی که نیابت ساوجی بزرگ را برعهده داشت؛ نایب سرزمین‌های تحت حکومت او بود (کاشانی ۱۳۸۴: ۷۵). براین اساس گسترش و اهمیت تشکیلات استیفا روز به روز بیشتر شده و در این زمینه تقسیم کار و سلسله مراتب شکل گرفت. مستوفیان بزرگ برای رسیدگی دقیق بر منطقه تحت نظر خویش، نایبان و جانشینانی را به آن مناطق روانه می‌کردند تا طبق دستورات آنها و در حیطه وظایفشان تمام امور مالی را بررسی کرده و به مستوفی بزرگ ارجاع دهند.

یکی از علل تغییرات دیوانی که در دوره غازان (۷۰۳-۶۹۴ ق) صورت گرفت، مسلمان شدن وی بود که بسیاری از مشاغل، مفاهیم، دستورات و احکام مغولی به شکل و شیوه اسلامی تغییر پیدا کرد. از جمله تغییر شکل مهرها (آل) و نشان‌های ایلخانی که به نقش لا اله الا الله و محمد رسول الله مزین گردید (وصاف ۱۳۳۸: ۳ / ۳۲۵).

همزمان با شروع فرمانروایی غازان، «خواجه سعدالمله و الدین ساوجی که در علم استیفا و سیاحت ید بیضا می‌نمود» (خواندمیر ۱۳۸۰: ۳ / ۱۵۲) به منصب مستوفی‌الممالکی دست یافت و هر اقدامی که صورت می‌گرفت می‌بایست توسط مستوفیان در دفاتر ثبت شده و توسط او بررسی و تایید می‌شد. معین‌الدین مستوفی یکی دیگر از مستوفیان دوران غازان بود که در سال ۶۸۴ ق، به این سمت منصوب شد (رشیدالدین ۱۳۵۸: ۹۶) و نیز خواجه علاء‌الدین از مستوفیان بزرگ بود که استیفای ممالک محروسه عراق عجم را برعهده داشت (نخجوانی ۱۹۷۶: ۲ / ۱۰۱).

اتهام مالی یکی از بیشترین حربه‌هایی بود که دشمنان مستوفیان و کاربدستان مالی برای نابودی آنان به کار می‌گرفتند که البته در اکثر مواقع کارگر می‌افتاد. چنانچه بسیاری از مستوفیان بزرگ از این طریق جان خود را از دست دادند. دوران غازان نیز از این قاعده مستثنی نبود. یکی از مستوفیان او به نام عزالدین مظفر در فارس به اتهام جمع آوری مال

زیاد و اختلاس، درحالی که نتوانست در دادگاه مغولان بی‌گناهی خود را ثابت کند به قتل رسید و سرش را در معرض انظار آویختند (وصاف ۱۳۳۸: ۳/۳۶۳).

دفترداری ممالک یکی از کارهایی بود که زیر نظر دیوان استیفا و در زمان غازان به شکل جدی و در سطح وسیع اجرا می‌شد. مسؤلیت ثبت دخل و خرج و متصرفات هر شهر و ناحیه در هر ماه و سال توسط دفتردار انجام می‌شد. هر ولایت در هر سال دفتری جداگانه مشتمل بر دخل و خرج آماده می‌کرد و به صاحب دیوان استیفا عرضه می‌داشت. سپس طبق آن و با نظارت خان، بودجه هر سال تعیین می‌گشت. در کنار دفتر داران، اشخاصی به نام محرران دیوان در دفترخانه مشغول به کار بودند، شغل ایشان تحریر و کتابت اسناد و فرامین دیوان بود (نخجوانی ۱۹۷۶: ۲/۱۳۲). به جهت توسعه امور مالی و ایجاد نظم در کارها، دفترداری ممالک که تا قبل از غازان با دیوان استیفا بود، اهمیت خاصی پیدا کرد و عالیترین مقام پس از مستوفی الممالک به حساب می‌آمد (همان: ۲/۱۳۰). سید مرتضی صدرالدین حمزه که امانت و درستی وی نزد صاحب دیوان جوینی مسجل شده بود، به دفترداری دیوان ممالک تعیین شد. این فرد در زمان غازان با حفظ سمت، توسط معین الدین مستوفی به عنوان دفتردار به کارش ادامه داد. پس از او پسرش سید شرف‌الدین حسن به دفترداری دیوان منصوب گشت (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۳۲). جمال‌الدین دستجردانی یکی از کارمندان دستگاه دولتی ایلخانان بود. این شخص ابتدا به محرری دیوان بغداد و بعد از آن به عنوان صاحب دیوان عراق عرب انتخاب شد و حدود ۶ ماه هم وزیر بایده بود؛ اما پس از مدتی در دوره غازان از کار برکنار شد (کرمانی، ۱۳۳۸: ۱۱۱). احتمالاً به علت دشمنی غازان با بایده و عدم اعتماد به وزیرش او را برکنار کرد. در باب اهمیت مستوفیان و کارشان در دستور الکاتب آمده است:

جماعتی که در استیفای اموال دیوانی طریقه راستی را به کار نگیرند و مال زیادی از ضعفا ستانده و شلتاق<sup>۱</sup> صادر کنند، ایشان باعث خرابی ولایات شده و مردم به ترک وطن دست می‌زنند بنابراین برای آنها قانونی به نام یاسامیشی<sup>۲</sup> تعیین شده که مقدار تمغای مشخصی بر محصول معین گردد و از مردم بیشتر ستانده نشود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۴۲).

این قانون «به اصطلاح مستوفیان دفتری را خوانند که مجموع اصول اموال و کیفیت اجرای آن از جهات دیوانی و املاک هر کس مفصل و محدود مذکور باشد» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۴۱).



بر اساس آنچه نخجوانی در دستور الکاتب آورده است: «زمانی اسباب جهاننداری میسر می‌شود که تفویض هر امر خطیری بر عهده صاحب منصبی عالم و فاضل باشد» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۹۴) به این ترتیب بعد از روی کار آمدن غازان و انجام اصلاحات در امور مالی و مالیات گیری، حوزه مالی گسترش یافت و زیر مجموعه های آن بیشتر شد؛ همچنین کارکنان و کاربدستان بیشتری را در آن حیظه می طلبید که غازان بیشتر قسمت های مربوط به امور مالی و موارد مهم را در دست ایرانیان گذاشت و ناظران مغول در این دوره نقش کم رنگ تری ایفا کردند.

از جمله کارکنان دیوان استیفا در دوره غازان خان، نایب مستوفی، مستوفیان و محصلان مالیاتی بودند که همگی زیر نظر صاحب دیوان خدمت می‌کردند. همچنین مأموران مغولی به نام بیتکچی که کارشان نظارت بر کارمندان ایرانی بود، خود زیر نظر الغ بیتکچی<sup>۱۳</sup> به عنوان ناظران مالی مشغول به کار بودند.

معمولاً شغل کارمندان دیوان استیفا موروثی بود و برجسته‌ترین مأموران مالیاتی و مستوفیان کوچک در ایالات، نایبان مالی بودند که تحت نظر صاحب دیوان انجام وظیفه می‌کردند؛ آنان پیوسته جزو نمایندگان دولت محسوب شده و توسط حکومت مرکزی انتخاب می‌شدند. «نایبان در مداخل اموال دیوانی و متوجهات سلطانی کار کرده و به تحقیق ابواب مردم می‌پرداختند» (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/ ۱۰۰-۹۹).

از دوره غازان به بعد، مستوفیان سالی بیست هزار دینار از اموال دیوانی حقوق دریافت می‌کردند. همچنین گاهی اوقات در قبال خدماتی که انجام می‌دادند، پاداشی تحت عنوان اقطاع می‌گرفتند (همان: ۲/ ۹۹). غازان خان با هوش و درایتی که داشت با افزایش حقوق مستوفیان و در کل کارکنان دیوان استیفا، دو هدف عمده را دنبال می‌کرد. اول اینکه وقتی یک مستوفی به میزان مناسب حقوق دریافت می‌کرد، نیازی به اختلاس در اموال دیوان نداشت و با صداقت و پاکدستی وظایف محوله را انجام می‌داد. هدف دومی که خان دنبال می‌کرد، جلوگیری از ظلم و ستم مستوفیان مالیاتی بر مردم بود. در دوره‌های قبل از فرمانروایی غازان، مستوفیان هنگام جمع آوری مالیات مبالغی اضافی برای خود از مردم به زور و جور می‌گرفتند. خان مغول با اشراف بر این مسئله، حقوق کارکنان دیوان استیفا را افزایش داد که از این بی‌عدالتی‌ها جلوگیری کند.

### ۳.۴ بررسی اوضاع مالی در دوره الجایتو و ابوسعید (۷۳۶-۷۰۳)

اولجایتو پس از رسیدن به فرمانروایی (۷۱۶-۷۰۳ ق)، راه غازان خان را در شیوه حکومت-داری دنبال کرد. وی احکام غازانی را امضا کرد و تمام عمال و کارکنان او را در مناصب و مشاغل مختلف برقرار کرد. به طور کلی الجایتو تغییر عمده‌ای در کارهای اداری و دیوانی ایجاد نکرد (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۶۶)؛ با این وجود پس از چندی به علت نفوذ بیشتر امرای مغول در امور دیوانی و حکومتی، دشمنی و کینه توزی آنها با ایرانیان دیوانسالار شدت گرفت. این دشمنی در اولجایتو اثر کرد و او دست به اقدامات متفاوتی زد. از جمله دستور کشتن خواجه سعدالدین ساوجی و میل کشیدن نایبان او سید حمزه آوجی و سید عماد الملوک سمنانی را داد (فصیحی خوافی، ۱۳۳۹: ۱۹). پس از قتل ساوجی، خواجه علیشاه گیلانی به اتفاق خواجه رشیدالدین در مسند مستوفی الممالکی قرار گرفتند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵/۲۷۸). مستوفیانی که به عنوان نایب دو خواجه بزرگ انتخاب شدند، عمادالدین مستوفی (کاشانی ۱۳۴۸: ۱۲۶) و خواجه جلال‌الدین طاهر از اکابر مملکت و صاحب کفایت و ذکاوت بودند. خواجه طاهر خود در این دوره به عنوان یکی از مستوفیان با نفوذ، اعمال قدرت می‌کرد و به مانند معلمی بزرگ برای دیگر مستوفیان بود به طوری که «مستوفیان زمان سر بر حظ تلمذ او نهاده‌اند» و کارمندان زیادی زیر دست او تربیت شدند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۹۵). چنین به نظر می‌رسد که با توجه به اعتقادات مغولان بر سنت‌های خویش، همچنان تا آخر حکومت به آن پایبند بودند و هیچ‌گاه رسوم و قوانین خویش را کامل کنار نگذاشتند. شیوه دوئیت مغولان در امر حکومت‌داری خصوصاً امور مالی که اهمیت خاصی داشت به ترتیب سلسله مراتب قدرت تا رده‌های پایین با وسواس و توجه زیاد اجرا می‌شد.

همان گونه که یاد شد، در کنار یک مسوول ایرانی، از یک نفر مغولی به عنوان ناظر در اداره امور مالی استفاده می‌شد. الزاماً قدرت مستوفی الممالک به عنوان ناظر دخل و خرج ایالات در عرض قدرت الغ بیتکچی قرار می‌گرفت؛ چرا که مقام و وظیفه الغ بیتکچی نیز رسیدگی به امور مالی و درآمدهای مالیاتی بود. بنابراین به علت تفکیک نشدن وظایف گاهی اوقات تصادماتی میان مستوفی الممالک و الغ بیتکچی به وجود می‌آمد.

در دوره فرمانروایی ابوسعید (۷۳۶-۷۱۶ هـ ق) قدرت اصلی دربار در دست دمشق خواجه، پسر امیر چوپان بزرگ قرار داشت. با کشته شدن دمشق خواجه، ابوسعید تصمیم گرفت شغل وزارت را به کسی دهد که «از عهده‌ی مفصلات دیوانی کما یجب و ینبغی

بیرون تواند آمد» (مستوفی ۱۳۶۴: ۶۲۱) بنابراین پس از چندی تأمل، خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله را به این سمت برگزید تا با خواجه علاء‌الدین محمد از معارف خراسان در کارها شریک باشند (میرخواند ۱۳۸۰: ۵ / ۴۳۷۰). با گذشت ۸ ماه، خواجه علاء‌الدین به عنوان رئیس دیوان استیفا برگزیده شد و غیاث‌الدین رشیدی به تنهایی اداره امور دیوان وزارت را برعهده گرفت (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۲۱۶). از جمله مستوفیان زمان ابوسعید که برای استیفای مال انتخاب شدند، می‌توان به مولانا معظم ملک‌الائمه الفریقین مستوفی ارومیه و خواجه تاج‌الدین مستوفی مراغه و خواجه امین‌الدین که به واسطه امانت‌داری به سمت مستوفی در دیوان مالی انتخاب شد، اشاره کرد (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۲۴۷-۲۴۶ و ۱۵۴).

لازم به ذکر است که در دوره ایلخانی افرادی نظیر رشیدالدین، و صاف و یا حمدالله مستوفی، خود به عنوان نظریه‌پرداز در امور مالیاتی و نظام اداری ایران مطرح بودند که علاوه بر حضور در تشکیلات دیوانی دست به نگارش زدند و اثرات گرانبهایی از خود به جای گذاشتند. یکی از مورخان دوره ابوسعید که در امر مالیات‌گیری و مرتب‌سازی و بهبود اوضاع مالی دهقانان و پیشه‌وران دست به نگارش زد، محمد هندوشاه نخجوانی بود. وی به دعوت ابوسعید در بخش مالی دیوان استیفا مشغول به کار شد و تا زمان حکومت سلطان اویس جلایری این سمت را برعهده داشت (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۱۳/۱).

نخجوانی در مورد اهمیت امور مالی ذکر می‌کند که همواره افرادی به عنوان مباشر دیوان بزرگ و مستخرج اموال و متوجهات دیوانی در دیوان استیفا مشغول به کار بودند که حقوق ایشان مرسوم بود؛ کار ایشان در دیوان سالیانه تمدید می‌شد و تا زمانی که مشغول به کار بودند، حقوق دریافت می‌کردند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۲۷۲) به عنوان مثال سعدالدین مسعود و یا قوام‌الدین حیدر جزء مباشران دیوان بزرگ بودند. همچنین خواجه معین‌الدین جهت حساب و کتاب محصولات زراعی و تخمین آن در دیوان مشغول به کار بود. تاج‌الدین علی هم جزء کسانی بود که به خاطر درستکاری و امانت‌داری اش برای استخراج اموال دیوانی به کار دعوت شد (نخجوانی، ۱۹۷۱: ۱ / ۲۷۳ و ۱۳۶). وجود مستوفیان متعدد با اسامی و رتبه‌های گوناگون از جمله مستوفی بزرگ، مباشر، نایب مستوفی، دفتردار، محرری و غیره، نشان از اهمیت و روند توسعه تشکیلات دیوان استیفا تا پایان دوره ایلخانی دارد. نکته قابل توجه این که با توجه به نیاز مغولان، بیشتر مستوفیان دوران ایلخانی ایرانی بودند که زیر نظر مأموران مغول خدمت می‌کردند.

#### ۴.۴ بررسی اوضاع امور مالی در دوره زوال ایلخانان (۷۵۳-۷۳۶هـ.ق)

نابسامانی‌های اجتماعی و اخلاقی و نیز هرج و مرج حکومتی که در اواخر عهد ایلخانی شروع شده بود، با مرگ ابوسعید و نبودن جانشین برای وی، تشدید شد. به این ترتیب از یک سو حکومت‌های ملوک الطوایفی از شاهزادگان مغولی با حمایت امرای آنان و از سوی دیگر نهضت‌های مردمی مخالف با حکومت مرکزی شکل گرفت. این جریان، خاندان‌های محلی را برابر یکدیگر قرار داد و باعث جنگ و جدال‌های خانگی، خون‌ریزی و غارت در ایالات و شهرها و روستاها شد. هر کدام از این گروه‌ها با تمایلات گریز از مرکز به دنبال جاه طلبی و رسیدن به قدرت بودند (اشپولر ۱۳۸۵: ۱۹۳-۱۹۱). با این اوضاع ایران تا زمان تصرف توسط تیمور، هیچ حکومت مرکزی، کارآمدی به خود ندید (مورگان ۱۳۸۹: ۲۰۸).

طبق وصیت ابوسعید، غیاث‌الدین محمد رشیدی وزیر به علت نبودن فردی از اولاد هولاکو، یکی از رجال خاندان اریق بوکا به نام آریاگان را به حکومت برداشت (حافظ ابرو، ۱۳۵۰: ۱۹۰). خواجه غیاث‌الدین رشیدی در مدت حکومتش به تنهایی تلاش زیادی در جهت حل مسائل مالی و امور مربوط به دیوان استیفا و مالیات‌گیری بر آمد. یکی از معاصران زمان که به ستایش او پرداخته، اوحدی اصفهانی است که وی را بدون نیاز به هیچ همکار شایسته صاحب دیوان می‌داند و در بیت زیر این نکته را بیان کرده است:

تا تو باشی مصاحب دیوان که نشاید دو صاحب دیوان

(اوحدی اصفهانی ۱۳۴۰: ۵۰۱)

اما آریاخان با توجه و تأکید به سیاست مغولی و یاسا در امور حکومت، در روابط خود با خواجه غیاث‌الدین طریقه بدسگالی را در پیش گرفته و او را بر کنار کرد (قطبی اهری ۱۳۷۳: ۱۵۸). پس از مدتی فردی به نام موسی خان به اتفاق علی پادشاه توانست آریا خان و وزیرش را که گسست عمیقی بین ایشان ایجاد شده بود، طی جنگی شکست داده و هر دو را به قتل برساند (فصیحی خوافی ۱۳۳۹: ۴۶؛ شبانکاره ای ۱۳۶۲: ۳۰۲). علی پادشاه با رسیدن به قدرت، وزارت را به شخصی به نام جمال حاجی، پسر تاج‌الدین علی شیروانی تفویض کرد (حافظ ابرو ۱۳۵۰: ۱۹۷)؛ تا این که شخصی به نام حاجی طغای که با او مخالف بود، محمد نامی را بر تخت نشاند و او را به عنوان ایلخان معرفی کرد (قطبی اهری، ۱۳۷۳: ۱۶۳) در همین زمان شیخ حسن کوچک برای پیشبرد اهدافش، ساتی‌بگ را تحریک کرده و او را به عقد شخصی به نام سلیمان خان درآورده، بر تخت نشاند و سکه و خطبه را به نامش

زدند. در دوره سلیمان خان مقام مستوفی که همچون قبل مسؤول امور مالی بود در دست عمادالدین سراوی قرار داشت (قطبی اهری، ۱۳۷۳: ۱۷۰ و ۱۶۶).

در این دوره نیز همچون گذشته مستوفی الممالک در رأس دیوان استیفا قرار داشت. بخشی از وظایف مالی در اختیار نایب مستوفی الممالک و کارمندان زیر دستش بود؛ وظایفی همچون تنظیم و پرداخت مخارج دیوان، عواید، پرداخت رسوم کارمندان، فرستادن محصلان مالیاتی به ایالات و اطلاع از کار ایشان، سرپرستی و تنظیم دفاتر مالی و امضای اسناد و گزارش آن به دیوان بزرگ را برعهده داشتند (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۰۳-۹۸). البته با توجه به شرایط نامساعد اجتماعی، جنگ‌های درون‌خاندانی و عدم حکومت مرکزی یکپارچه بعد از مرگ ابوسعید، بسیاری از مأمورین مالی و کاربدستان آن، وظایف خود را به خوبی انجام نمی‌دادند و ضعف و تزلزل در بیشتر بخش‌های تشکیلات دیوانسالاری مشاهده می‌گردید.

هندوشاه نخجوانی که در دوران ابوسعید و دوره فترت جزء صاحب منصبان دیوان انشا بود، آشنایی کامل با دیوان‌ها داشت و اطلاعات کاملی در این مورد به دست می‌دهد. از فحوای مطالب کتاب دستور الکاتب چنان بر می‌آید که تغییراتی در زمینه به کار بردن دیوان‌ها و نحوه اداره آنها در اواخر حکومت ایلخانی به وجود آمد. از جمله این تغییرات افزایش تعداد دیوان‌ها بود که نشان از گسترش مفهوم دیوان و به کارگیری آن در سطح وسیعی از ادارات داشت. در این دوره اصطلاح دیوان با تفاوتی اندک نسبت به قبل عنوانی برای تمامی ادارات و سازمان‌های دولتی به کار می‌رفت و هر شهر و ایالتی برای خود دارای دیوانخانه و کارمندان زیادی در رده‌های مختلف بود (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۱۰-۷۷). در کنار افزایش دیوان‌ها، بعضی از اصطلاحات اداری و مالیاتی تغییر، حذف و یا اصلاح شد. برای مثال دیوان اینجو اهمیت سابق خود را از دست داد و اراضی اینجو به دست امرا افتاد و به املاک فئودال غیر سلطان تبدیل شد. این املاک به نام دیوان سلطنت، وظایفی یکسان در آن حیطة به عهده گرفت. بعضی از اصطلاحات مالیاتی همچون قیچور یا شلتاق، کمتر رواج داشت و استعمال آن در کتاب نخجوانی نسبت به کتب جوینی، رشیدالدین و وصاف به چشم نمی‌خورد. تعدد دیوان‌هایی همچون وقف، بیت المال، قضا، مساس، مظالم، ممالک و غیره به عنوان ادارات دولتی مطرح بود (همان: ۱/۲ و ۲۱۸ و ۸۳ و ۳۲ و ۲۷)؛ این امر نشان از اصلاح مالیاتی و جا افتادن مالیات‌گیری به شیوه اسلامی بین مغولان بود که با گذشت زمان تعدادی از مالیات‌های نامتعارفی که جزء ستهای مغول بود، حذف شد.

یکی دیگر از جایجایی‌های مناصب که در دوره زوال ایلخانان اتفاق افتاد، کنار گذاشتن عنوان صاحب دیوان بود. با توجه به این که در اوایل ورود مغولان به ایران، صاحب دیوان استیفا به عنوان قدرت برتر در مقایسه با وزیر اعظم مطرح بود، با گذشت زمان و با نزدیک شدن به اواخر دوره ایلخانی و اسلام آوردن غالب مغول‌های ایران، وزیر قدرت اصلی خود را به عنوان دوم شخص مملکت بعد از سلطان پیدا کرد (نخجوانی ۱۹۷۶: ۷۵-۷۳). ظاهراً علتش در این دوره تسلط ایلخانان بر امور مالی بود. با حل مشکلات مالی، دغدغه‌های مالیاتی کمتر شد و حساسیت بر روی دیوان استیفا کاهش یافت. بنابراین روال کار به صورت عادی انجام می‌گرفت و وزیر به عنوان شخص دوم مملکت توانست قدرت خود را تا حدود زیادی باز یابد.

آخرین فرمانروای مغولی در دوره زوال ایلخانان شخصی از احفاد چنگیزخان به نام طغاتی‌مور بود که امرای مغولی او را به ایلخانی برداشتند (قطبی اهری ۱۳۷۳: ۱۶۵). طغاتی‌مور خان نیز نتوانست حکومت متلاشی ایلخانان را نجات دهد و با مرگ او حکومت نیمه جان ایلخانان خاتمه یافت.

## ۵. نتیجه‌گیری

حضور و سلطه مغول‌ها در ایران باعث به وجود آمدن تغییرات چشمگیری در دیوانسالاری ایران شد. بخش‌های زیادی از تشکیلات دیوانی از بین رفت و بسیاری از سنت‌های اداری چینی و مغول وارد این تشکیلات گردید. یکی از دیوان‌های حائز اهمیت برای مغولان، با توجه به نیاز ویژه برای اداره امور مالی و مالیات‌گیری، دیوان استیفا بود. با توجه به اهمیت امور مالی، در اولین مرحله از آغاز فتوحات در ایران، خانان مغول حاکمانی را برای جمع آوری مالیات و رسیدگی به امور مالی راهی ایران کردند. پس از تاسیس حکومت ایلخانی، مغول‌ها همچون گذشته امور مربوط به مالیات را مورد توجه قرار دادند و از آنجایی که اعتماد کافی به ایرانیان نداشتند و از طرفی خود به تنهایی توان حل مسائل و امور مالی را نداشتند از سابقه و توانمندی کاربدستان ایرانی استفاده کردند؛ اما با این تفاوت که ماموران مغولی در تمام سطوح مربوط به امور مالی نظارت و دخالت داشتند. همین مساله و ورود مغولان در قسمت‌های مختلف نظام مالی کشور باعث شد تا تغییراتی در دیوان مالی صورت گیرد. علاوه بر ورود عناصر ترکی - مغولی به حوزه اداری - مالی ایران، ورود لغات و اصطلاحات جدید در نظام مالیاتی کشور را شاهد هستیم.

آنچه مغولان در اداره امور مالی و دیوان استیفا به کار بستند، استفاده از قوانین مالی در دیوانسالاری چینی و سنت‌های مغول در کنار نظام مالی ایرانی-اسلامی بود و این شیوه استفاده از نظام دوئیت را درون سیستم مالی اجتناب ناپذیر می‌ساخت، بدین معنی که در کنار هر مسئول مالی ایرانی، یک نفر ناظر مغولی قرار می‌گرفت تا بر کار همکار خود نظارت داشته باشد. البته این عدم اعتماد مغولان به ایرانی‌ها، رفته رفته کاهش یافت و حتی ایرانیان همچون دوره غازان گاهی در رأس مقام‌های بالای دیوانی، همچون مستوفی‌الممالک قرار گرفتند.

با ایجاد حکومت ایلخانی در ایران، تشکیلات استیفا نسبت به دوران مشوش حاکمان مغول، نظم و سازماندهی بهتری گرفت. مسلمان شدن مغول‌ها و خصوصاً اصلاحات غازانی، تغییرات بیشتری در زمینه بهبود عملکرد دیوان استیفا ایجاد کرد. علاوه بر مستوفی‌الممالک در راس نظام مالی همواره نایبانی حضور داشتند که با توجه به تقسیم نواحی، در حوزه‌های مربوط به خویش انجام وظیفه می‌کردند. این مستوفیان بزرگ نیز نایبانی به نام مستوفیان کوچک یا مباشران مالی داشتند که در ولایات و ایالات مشغول جمع‌آوری مالیات و رسیدگی به حساب و کتاب بودند. بسیاری از این محصلان مالیاتی در اجرای وظایف خود کوتاهی کرده و به طرق مختلف و شیوه‌های نامتعارف، بر مردم فشار می‌آوردند و در حق بسیاری اجحاف می‌شد. رسیدگی به اجحافات مالیاتی مستوفیان و بهبود کارکرد دیوان استیفا با اصلاحات غازان خان نمود بیشتری یافت. خان مغول با صدور احکام و فرامینی جهت سامان دادن اوضاع مالیات‌گیری و ثبت و ضبط دفاتر مالیاتی، تا حدودی راه را بر تعدی ایلچیان و محصلان و مأموران نادرست بست.

با نزدیک شدن به پایان حکومت ایلخانان، تشکیلات استیفا نظام‌مندتر و وسیع‌تر شد و تعدادی از مستوفیان کارآمد ایرانی، خود به عنوان معلم از طرف حکومت به تربیت افراد متخصص در زمینه استیفا پرداختند. همچنین در اواخر دوره ایلخانی دیوان استیفا و ادارات زیر مجموعه آن دارای پیچیدگی و گستردگی بیشتری شد و رسیدگی به نظام مالی، افراد توانمند و تعداد بیشتری می‌طلبید. با مرگ ابوسعید و آشفتگی‌های بعد از مرگ وی و نبود جانشین باعث شد تا در سازمان اداری ایران اختلالاتی به وجود آید و شرایط برای سوءاستفاده و ظلم و تعدی مأموران و مودیان مالیاتی مهیا گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد با آغاز حکومت مغول‌ها در ساختار نظام مالی ایران تغییرات قابل توجهی صورت گرفت.

ورود عناصر بیگانه به سیستم دیوان مالی، برخی قوانین و اصطلاحات مغولی و استفاده از آن بخش قابل توجهی از این تغییرات می باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. واژه استیفا در لغت به معنی دستیابی به تمام چیزی مثلا تمام مال و یا حق خود را از کسی گرفتن، و در اصطلاح به معنی معرفت به قوانین امور مالی و ضبط و دخل و خرج و شیوه محاسبات مربوط به آن است. استیفا همواره در دوره‌های مختلف نظم و نسق خاصی داشته است (آل داود ۱۳۷۷: ۲۲۰).
۲. مستوفی آنکه حق خود را به طور وافی و کافی بگیرد. سرآمد دفتر داران مالیه یک ملک، آمارگیر، محاسب، متصدی دخل و خرج، حساب، درآمد و هزینه است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۸۴۷/۱۳).
۳. واژه خواجه جهانی به عنوان یک مرتبه خاص برای وزیر، تا قبل از دوران مغول به کار می‌رفت و بعد از آن در منابع تکرار نشده است. علت آن کنار گذاشته شدن وزارت با مفهوم قبلی خود توسط مغولان و جایگزینی واژه صاحب دیوان به جای آن بود.
۴. جامگیات برگرفته از جامگی و به عنوان مستمری، موجب یا راتبه خدمتکاران دولتی است (انوری ۱۳۵۵: ۹۱) و نیز به مرسومات و حقوقی که به افراد پرداخت می‌شد، اطلاق می‌گردید (نخجوانی ۱۹۷۶: ۱/۳۶۶).
۵. با مرگ ابوسعید حکومت ایلخانی دچار تجزیه شد. وی که نتوانست جانشینی از خود بر جای گذارد، مغولان را در جنگ‌های خانگی و تمایلات تجزیه طلبی قرار داد. مغولان به جای این که یکی از رجال خاندان هولاکو را به سمت خانی انتخاب کنند، یکی از افراد خاندان اریق بوکا به نام آریاگاون را به خانیّت برداشتند، اما حکومت آریا نتوانست ثبات و قدرت ایلخانان را حفظ کند. پس قدرت بین اشرافیت مغول- ترک و امرای نظامی تقسیم شد. به طوری که هر صاحب قدرتی در یک گوشه از ایران قد علم کرده، حکومت می‌کرد. بنابراین می‌توان گفت ایران تا زمان فتح توسط تیمور هیچ حکومت مرکزی کارآمدی به خود ندید (اشپولر ۱۳۸۵: ۱۹۱).
۶. سیورغامیشی به معنی واگذاری ملک به افراد است تا از عایدات آن بهره برداری کنند (دورفر ۱۹۶۳: ۱/۳۵۳).
۷. واژه‌ای مغولی و به معنای لوحه‌ای از زر یا نقره یا چوب که بر آن نام خان نقش شده و روی بعضی از آنها سر شیر یا گربه کنده شده بود. این لوحه‌ها با نوشته خان به مثابه شناسنامه افراد صاحب مقام به حساب می‌آمد (دورفر ۱۹۶۳: ۱/۲۳۹؛ شریک امین ۱۳۵۷: ۷۸).



امور مالی و مودیان مالیاتی در دوره ایلخانی (تکتم یارمحمدی و هوشنگ خسروبیگی) ۳۲۱

۸. آل تمغا واژه‌ای ترکی-مغولی مرکب از آل به معنای سرخ و تمغا که مهر می‌باشد. مهر مربعی بود که بر روی فرامین، احکام و مراسلات رسمی با مرکب سرخ می‌زدند. مغولان این کار را به تقلید از چینیان انجام می‌دادند (شریک امین ۱۳۷۵: ۱۰؛ سیفی ۱۳۸۱: ۷۸۲).

۹. یارغو دادگاهی برای رسیدگی به امور اعضای دستگاه سلطنت، امرا، روسای قبایل، اشراف و صاحب منصبان مغول بود که یکی از مهم‌ترین ادارات مغول محسوب می‌شد (نخجوانی ۱۹۷۶: ۲/۳۳). کسانی که در این محکمه به اصول دادخواهی رسیدگی می‌کردند، یارغوچیان نام داشتند (رشیدالدین ۱۳۷۳: ۲/۱۳۸۹).

۱۰. واژه آل ریشه ترکی به معنای سرخ رنگ دارد که در تشکیلات اداری مهر سرخ رنگ سلطنتی می‌باشد (دورفر ۱۹۶۵: ۲/۹۴) و منصب آچی در تشکیلات ایلخانی نگهدارنده مهر آل بود که اسناد و مکتوبات مالی و مخارج و درآمدهای ایلخانان را با این مهر به تأیید می‌رسانید (قائم مقامی ۱۳۵۰: ۱۱۴).

۱۱. شلتاق لفظ ترکی به معنای به زور و ستم و بی‌رسمی اموال مردم را ستاندن، می‌باشد (سیفی ۱۳۸۳: ۷۸۶).

۱۲. یاسامیشی به معنای مجازات کردن و کشتن است (کرمانی ۱۳۶۲: ۱۴۶).

۱۳. بیتکچی، بتکچی یا بیتیکچی (bitikci) واژه‌ای ترکی و مورد استفاده مغولان به معنی محاسب بزرگ می‌باشد (شریک امین ۱۳۵۷: ۳۱؛ دورفر ۱۹۶۵: ۲/۲۶۴). الغ بیتکچی همان منشیان بزرگ بودند که از بین مأموران مغول انتخاب می‌شدند و شغل آنها منصب خطیری بود که صاحبان آن می‌بایست دارای سلامت جسم و روان باشند. همچنین آنان مسؤل رسیدگی به امور دیوانی، نظارت بر دفاتر دخل و خرج و اداره نواب و مأموران مالیاتی در ولایات را برعهده داشتند و تمام رسوم مالی و رسوم خارجی به نام ایشان در دفاتر ثبت می‌شد (نخجوانی ۱۹۷۶: ۲/۱۰۷).

## کتاب‌نامه

ابن فوطی، ابی الفضل عبدالرزاق (۱۳۵۱)، *الحوادث الجامعة و التجارب النافعه*، تصحیح محمدرضا الشیبی و مصطفی جواد، بغداد: الفرات.

ابن‌عبری، ابوالفرج اهرن (۱۳۶۴)، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.

اشپولر، برتولد (۱۳۸۶)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۳۸)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و یحیی ذکا، تهران: دانشگاه تهران.
- اگل، دنیس (۱۳۹۰)، «ایران در استیلای مغول: کارایی و ناکارآمدی های نظام اداری دوگانه»، ترجمه یزدان فرخی، مزدک نامه، شماره ۴، صص ۹۱۸-۹۰۳.
- آل داوود، علی (۱۳۷۷)، «استیفاء»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. الصیاد، فواد عبدالمعطی (۱۹۷۰م)، المغول فی التاريخ، ج ۱، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- اوحدی اصفهانی (۱۳۴۰)، کلیات اوحدی اصفهانی، تصحیح سعید نفیسی، تهران: امیرکبیر.
- باسورث، سومر، کاهن، مینورسکی (۱۳۸۵)، ترکان در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- بارتولد، و. (۱۳۵۲)، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱ و ۲، تهران: آگاه.
- بارتولد، و. (۱۳۵۸)، خلیفه و سلطان و مختصری درباره برمکیان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- بناکتی، ابوسلیمان داودبن ابی فضل محمد (۱۳۴۸)، روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب، تصحیح جعفر شعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بنداری اصفهانی (۱۳۵۶)، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- تسف، ولادیمیر ب. (۱۳۶۵)، نظام اجتماعی مغول (فتوالیسم خانه بدوشی)، ترجمه شیرین بیانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- جوینی، محمد (۱۳۸۲)، تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۲ و ۳، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
- جوینی، محمد (۱۳۶۱)، تسلیه الاخوان، تصحیح عباس ماهیار، تهران: آباد.
- حافظ ابرو (۱۳۵۰)، ذیل جامع التواریخ رشیدی، تصحیح خان‌بابا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی.
- خسرویگی، هوشنگ (۱۳۸۸)، سازمان اداری خوارزمشاهیان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- خسرویگی، هوشنگ و فرخی، یزدان (۱۳۹۱)، «پژوهشی درباره سیف الدین بینکچی دیوانسالار مسلمان دوره هولاکو» (آخرین کارگزار الوس جوچی در ایران)، فصل نامه پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال دوم، شماره هشتم، صص ۸۱-۶۱.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، تهران: خیام.
- خواندمیر، غیاث الدین (۱۳۵۵)، دستور الوزرا، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، «مستوفی»، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳ زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۰۸۴۷.
- رشیدوو، پی-نن (۱۳۳۸)، سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۷)، «ماهیت ایرانی حکومت مغولان»، نشریه زمانه، شماره ۷۴-۷۳، صص ۳۲-۲۶.

امور مالی و مودیان مالیاتی در دوره ایلخانی (تکتم یارمحمدی و هوشنگ خسروبیگی) ۳۲۳

- ساندرز، ج.ج (۱۳۶۳)، *تاریخ فتوحات مغول*، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ج ۱، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیفی هروی، سیف بن محمد (۱۳۸۱)، *تاریخ نامه هرات*، تصحیح محمد آصف فکرت، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۲)، *مجمع الانساب*، ج ۲، تصحیح میر هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.
- شریک امین، شمیم (۱۳۵۷)، *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول*، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- فرخی، یزدان (۱۳۹۶)، *بررسی سیر تحولات دیوانسالاری در عهد مغول*، تهران: امیرکبیر.
- فروغ بخش فسایی، احمد (۱۳۸۳)، «سه دیوان مهم در عهد ایلخانی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۸۱، صص ۸۵-۸۰.
- فصیحی خوافی، فصیح الدین احمد (۱۳۳۹)، *مجمعل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، مشهد: طوس.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشانی، ابوالقاسم عبد الله بن محمد (۱۳۴۸)، *تاریخ اولجایتو*، تصحیح مهین همبلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرمانی، ناصر الدین منشی (۱۳۶۲)، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی، تهران: اطلاعات.
- کلوزنر، کارلا (۱۳۶۳)، *دیوانسالاری در عهد سلجوقی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیر کبیر.
- گروسه، رنه (۱۳۵۳)، *امپراطوری صحرا نوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتن، آن (۱۳۷۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰)، *مسائل عصر ایلخانان*، تبریز: آگاه.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.
- مورگان، دیوید (۱۳۸۹)، *مغول‌ها*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۰)، *تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء والملوک و الخلفاء*، ج ۵، تصحیح جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۶م)، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، ج ۱ و ۲، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.
- نسوی، شهاب الدین محمد (۱۳۸۴)، *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: علمی و فرهنگی.

نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۷۰)، *نقشه‌المصدر*، تصحیح امیر حسین یزدگردی، تهران: ویراستار.  
وصاف، عبدالله بن فضل‌الله شیرازی (۱۳۳۸)، *تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار*، تهران: ابن‌سینا.  
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳)، *جامع‌التواریخ*، ج ۲ و ۳، تصحیح محمد روشن و مصطفی  
موسوی، تهران: البرز.

Agle, Denis, (2008), Iran under Mongol Domination: The effectiveness and failings of dual administrative system, *Bulletin de tudes orientales*, nume'ro suppl'e'ment lvi, France, pp65-77.

Doerfer, Gerhard (1963-1975), *Turkische und Mongolische Element Im Neupersischen*, Wiesbaden: Franz steiner Verlag, (Band I-III).

Lane, George .E, (2012), *Whose secret intent?*, Eurasian influences on Yuan China, chapter 1, pp1-40.

Lane, George.E, (1999), *Arghun Aqa: Mongole Bureaucrat*, international society for Iranian studies, Pablshed by Taylor and Francis, volume 32, number 4 ,pp450-482